

گزیده اشعار مختومقلی

گزینش، ویرایش، توضیحات و ترجمه
دکتر سیاوش مرشدی

عضو هیأت علمی و استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی
دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرگان، مرکز گمیشان



مرشدی، سیاوش، ۱۳۶۲
گزیده اشعار مثنومقلی / سیاوش مرشدی، دانشگاه آزاد اسلامی مرکز گمشان .
تهران: فرجامین سخن، ۲۳۲ ص.
ISBN - 978 - 600 - 94836 - 2 - 4

فیبیا
فیبا ی مختصر .
شماره کتابشناسی ملی: ۲۸۵۴۱۴۳



فرجامین سخن

گزیده اشعار مثنومقلی

مرشدی، سیاوش

رسم الخط، حروفچینی و صفحه‌بندی: ف. داودی

لیتوگرافی: فام، چاپ: فرشیوه، صحافی: روشنگ

چاپ اول: ۱۳۹۴ شمارگان: ۵۰۰

شابک: ۴ - ۲ - ۹۴۸۳۶ - ۶۰۰ - ۹۷۸ - 2 - 4 - 94836 - 600 - 978 ISBN

فرجامین سخن: تهران، خیابان دانشگاه، پلاک ۶۸ تلفکس: ۶۶۴۱۸۹۹۱

Email: farjaminsokhan@gmail.com

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

قیمت: ۱۰۰۰۰۰ ریال

۹	 سر سخن
۱۳	 پیشگفتار
۴۱	 ۱. آتامینگ (پدرم)
۴۷	 ۲. آخر زمانا (به آخر زمان)
۶۳	 ۳. آدمزاد (آدمیزاد)
۶۹	 ۴. آیریلدیم (جدا ماندم / دور شدم)
۷۵	 ۵. احسان قایسی؟ بیلنمز (احسان و نیکی کجاست؟ نمی‌دانم)
۸۱	 ۶. الپ قدینگ دال اولار (قد الف مانند دال می‌شود)
۸۷	 ۷. ایکی دؤنیانینگ سلطانی (سلطان دو دنیا)
۹۳	 ۸. یاغیشلا بیزنی (ببخش ما را)
۱۰۳	 ۹. بۆگۆن (امروز)
۱۰۷	 ۱۰. تُرکمَنینگ (سرزمین ترکمن)
۱۱۵	 ۱۱. داش قالدی (دور از من ماند)
۱۲۱	 ۱۲. سیران ایچینده (در سیر و حرکت)

۱۳. شاهلار قالمازلار (شاهان نمی مانند) ۱۲۷
۱۴. الصبر مفتاح الجنان (صبر کلید بهشت هاست) ۱۳۷
۱۵. عبدالله (عبدالله) ۱۴۳
۱۶. قاشی یای (یای ابرو) ۱۵۱
۱۷. قیامتدان نشان (نشان از قیامت / نشانه های قیامت) ۱۵۵
۱۸. کج دیر یارانلار (کج است / ستیزه کار است ای یاران) ... ۱۶۳
۱۹. کوپ جان گچیپ دیر (جان بسیار در گذر است) ۱۷۱
۲۰. گوزیم دوشدی (چشمم افتاد) ۱۷۹
۲۱. گوزلار (چشمان مردم / کسی که به دنبال مردمش می گردد) . ۱۸۵
۲۲. گؤکجه کیتوری (کیوتر سبز) ۱۹۱
۲۳. مبتلا قیلدی (مبتلا کرد) ۲۰۵
۲۴. وفات بار (وفات است) ۲۱۱
۲۵. هر یانه (به هر جا) ۲۱۷
۲۶. یا ذوالجلالیم (ای ذوالجلال) ۲۲۳

سر سخن

مختومقلی، گرچه نفسم یامان دور

دیلا گیم الله دان نور ایمان دور

مختومقلی گرچه نفسم بد است

از خدا نور ایمان می خواهم [که به واسطه آن به هدایت برسم]

از زمان سکونت در ترکمن صحرا و شهر تاریخی کمیش تپه
(گمیشان) یا آبسکون کهن در سخن با مردم نازنین و مهمان نواز ترکمن با
شعر شاعر نامی سرزمین مان جناب مختومقلی فراغی آشنا شدم. آهسته
آهسته آغاز به خواندن شعر مختومقلی کردم. بی گمان در آغاز مانند شعر
هر شاعر نامی همچون مولانا سخت می نمود ولی رفته رفته به آن انس
گرفتم و دریافتم که مختومقلی شاعر و شخصیتی ویژه و خاص است که
اگرچه تأثیراتی را از مولانا، سعدی، نظامی و حافظ و به طور کلی عرفان
جناب بایزید بسطامی، ابوسعید ابوالخیر و... گرفته است ولی خود در دنیا
بی همتاست.

در این اثر تلاشم این بود که از سویی خود معنی ابیات را دریابم و از سوی دیگر برای خوانندگان به ویژه نسل جوان که مشتاق دریافت معانی عمیق و اندیشه و عرفان مختموقلی هستند معانی اشعار را بفهمانم. در این راه، شیوه کار چنین بوده است که نخست اشعار به صورت بند به بند آورده شده است و بعد از آن معنی لغات، اشارات و تلمیحات، آرایه‌های ادبی و به طور کلی توضیحات آورده شده است و در دنبال آن ترجمه فارسی شعر نقل شده است.

در این جا بر خود فرض می‌دانم که از روانشاد استاد گنبد دُردی اعظمی را دریاد کنم که در شرح و ترجمه گزیده‌ای از اشعار جناب مختموقلی در کتاب پرنیان هفت رنگ (چهار جلد، گرگان، انتشارات نوروزی، چاپ نخست ۱۳۹۰) پیش قدم بود کتابی که از آن بهره‌ها بردم و بعدها با عنوان گزیده دیوان مختموقلی نیز (تهران: انتشارات الهدی: ۱۳۹۳) دوباره تألیف و چاپ شد. همچنین از کتاب چشمان تو قاتلان منند (تهران: نگاه، ۱۳۸۶) که ترجمه گزیده‌ای از اشعار مختموقلی ترجمه ترانه‌سرای نامی و مترجم گرامی و جوان آقای یغما گلرویی است، یاد می‌کنم.

از ریاست محترم دانشگاه آزاد اسلامی مرکز گمیشان آقای دکتر علیرضا ملاح بابت حمایت‌هایشان سپاسگزارم و از همکاران گرامیم به ویژه خواهر بزرگوار سرکار خانم نیازی پور که در حل مشکلات از راهنمایی ایشان بهره‌ها بردم. برای ایشان و خانواده گرامیشان تندرستی و شادکامی خواهانم. همچنین از استاد عارف، خلیق، فرزانه و گرانقدرم جناب آخوند صفردردی طَریک از قارقی سیمین شهر سپاس بی‌پایان دارد که راهنمایی‌هایشان چراغ راهم بود و هست. از دوست فرهیخته

آقای خاقا گری، مدیر کتابخانه مختموقلی گمیشان که نسخه‌ای از کتاب فرهنگ فارسی ترکمنی استاد قاضی را به من وام دادند نهایت سپاس را دارم. امیدوارم همانطور که هدفم بوده در شناخت مختموقلی و تفهیم اشعار آن بزرگوار به ویژه در میان نسل جوان موفق بوده باشم که دنیا فانی است و آن به که از آدمی نام ماند.

جانان دیدیم: «یا علی!» تاییدی شاه مردان
آقای مشکل گشا، اول امیرالمؤمنین
مختموقلی دیر، جانیم دییمه سنگ قربان
اول منکر نکیر لر، دور مادیلار بیر زمان
شول یرده ربیم گؤروب، دوغری مکانا گلدیم
(فراغی، ۱۳۹۲: ۱۵۳)

از جان گفتم: «یا علی!» ستایش کردم شاه مردان را
آن آقای مشکل گشا، آن امیرالمؤمنین
مختموقلی می گوید: جانم به شما قربان
زمانی که می ایستند نکیر و منکر یک زمان
در آن مکان خداوند می بیند، به مکانی درست آمدم

دکتر سیاوش مرشدی
گمیش تپه، گمیشان، کرانه شرقی دریای کاسپین، ایران
۱۲ اردیبهشت ۱۳۹۴ خ. / ۲ می ۲۰۱۵ م. / سیزدهم رجب ۱۴۳۶ قمری
زادروز امیرالمؤمنین مولا علی (ع)

پیشگفتار

یا یارادان قادر قدرتلی سبحان
آرماندا قویماغیل یا ذوالجلالیم
نفسی مینگ پرماندا کرملی غفار
درماندا قویماغیل یا ذوالجلالیم (مختومقلی فراغی)
ای کردگار قادر توانای سبحان
مرا در حسرت فرومگذار ای ذوالجلال
ای کریم غفار مرا در فرمان نفسم
در درماندگی فرومگذار ای ذوالجلال

مختومقلی فراغی شاعر عارف و حکیم نامور ایرانی ترکمن در سال
۱۱۴۷ هـ ق «در ناحیه گینگ جای، در حومه آجی غوشان به نام قولی
دفعه ۱...» زاده شد. این شاعر نامی به راستی از مفاخر سرزمین مان لحاظ

می‌شود چه به واسطه این‌که زادگاه او، امروزه از توابع شهرستان مراوه تپه، در شمال شرق استان گلستان سرزمین مان ایران است چه به واسطه اندیشه، که بیانگر اندیشه ناب سرزمین مان است. مختموقلی از طرفی از شاعران فارسی‌گوی و ترکی‌گوی پیش از خود از ابوسعید خیام، خاقانی، نظامی، مولوی، سعدی، حافظ و جامی گرفته تا شاعران ترکی‌گوی مانند سید عمادالدین نسیمی، شاه اسماعیل صفوی (ختایی)، امیر علیشیر نوایی، فضولی بغدادی (شاعری نامی ترکمن ایرانی) تأثیر گرفته است و از سوی دیگر بر شاعران پس از خود چه ترکمن چه پارسی‌گوی تأثیر گذاشته است. بسیاری از بیت‌های جناب مختموقلی فراغی جنبه زبانزد یا مثل‌ساز گرفته و در زبان مردم ترکمنان، ترکان، کردان و فارس زبان‌های مناطق مجاور ترکمنستان جاری است.

مختموقلی در آغاز در محلی به نام «قرل آباق»^۱ در مدرسه ادریس بابا تحصیل کرد و سپس به بخارا از شهرهای کهن ایران که هنوز هم مردم در آن به زبان فارسی سخن می‌گویند درس آموخت، شهری که در میان مسلمانان به «بخارای شریف» مشهور است. سپس پس از مدت‌ها تحصیل در این شهر بزرگ ایرانی اسلامی به «شیرغازی» در خیوه شهری که آرامگاه بوریای ولی در آن است رفت و در آن‌جا به کسب دانش پرداخت. مختموقلی در شعری به نام «شیرغازی» به این مدرسه اشاره کرد و با حسی حاکی از غم غربت^۲ به توصیف روزگار خوش

۱. قرل آباق نام روستا و منطقه‌ای است در شرقی‌ترین استان ترکمنستان که زادگاه نویسنده نامی ادبیات کودک و نوجوان ترکمن قیوم تانگری قولیف است. این شهر برخلاف نامش که «بای قرمز» را به یاد می‌اندازد، به معنای «جام زرین» است. نک. جام زرین، قیوم تانگری قولیف، ترجمه نگارنده،

نشر دنیای کتاب، ۱۳۹۳، ص ۱۵

دانش‌آموزی و تزکیه خود در آن مدرسه می‌پردازد.
مختموقلی سرانجام «در سال ۱۲۰۴ ه. ق. برابر ۱۷۹۰ میلادی سر
بر بالین مرگ نهاد و چشم از جهان فرو بست.» (فداکار، ۱۳۸۶: ۸۶)

آرامگاه مختموقلی

ساخت آرامگاه مختموقلی مربوط به اواخر دوره قاجاریه - دوره
پهلوی، در شمال استان گلستان، شهرستان مراوه‌تپه، روستای آق‌تقه^۱
قدیم واقع شده است. این اثر در تاریخ ۲۶ اسفند ۱۳۸۶ با شماره ثبت
۲۲۲۵۱ به‌عنوان یکی از آثار ملی ایران به ثبت رسیده است.
این آرامگاه شامل مقبره مختموقلی فراغی شاعر ملی ترکمن‌ها
(مرگ در ۱۱۶۹ یا ۱۱۷۶ ه. ش) و پدرش دولت محمد آزادی می‌شود.
در دهه ۱۳۷۰ بنایی بر روی این مقبره ساخته شده و در ۲۰ اردیبهشت
۱۳۷۸ با حضور صفر مراد نیازوف رئیس جمهور وقت ترکمنستان و
وزیر وقت فرهنگ و ارشاد ایران افتتاح شد. هر ساله در زادروز
مختموقلی فراغی مراسمی با حضور مردم و مقامات دولت ایران و
ترکمنستان در کنار این آرامگاه برگزار می‌شود. در سال ۱۳۸۹ رئیس
وقت دفتر رئیس‌جمهور در این مراسم از تخصیص دو میلیارد تومان
برای سازمان‌دهی این مقبره خبر داد.^۲

۱. آق‌تقه یا آق‌تغای: به معنای دشت سپید است که وجه تسمیه آن به دلیل خاک سپید رنگ آن است.

۲. دانشنامه اینترنتی ویکی‌پدیا به نقل از «دانشنامه تاریخ ملی ایران شهر» و «نکوداشت مختموقلی در گلستان».

نخستین آموزگار مختومقلی و اهمیت مختومقلی در زبان، فرهنگ و ادبیات ترکمن

نخستین آموزگار مختومقلی فراغی پدر او دولت محمد آزادی (۱۲۷۴ - ۱۱۱۴ ه. ق)، عارف و شاعر نامی ایرانی ترکمن و صاحب اشعار و کتاب‌هایی همچون وعظ آزادی بود (نک. آزادی، ۱۳۷۸، مقدمه). در سنجش با شعر پدر، شعر مختومقلی همه پسند و محبوب و به معنای کامل: «سهل‌ممتنع» است؛ یعنی ظاهرش آسان، ولی تقلیدش غیر ممکن است. مختومقلی فراغی برای نخستین بار میان ترکمنان به زبانی در شعر دست یافت که باعث روی آوردن همه قشر مردم ترکمن به شعر او بود. کاری که جناب مختومقلی فراغی در زبان ترکمنی انجام داد همان کاری بود که فردوسی در زبان فارسی انجام داد، یعنی شعر او باعث شد که ترکمنان به زبانی واحد دست یابند، زبانی که جدا از جنبه‌های زیبایی‌شناسی زبان مشترک قوم ترکمن به شمار می‌رود. جمال‌زاده، پدر داستان‌نویسی ایران، او را «فردوسی ترکمن‌ها» نامید (فداکار، ۱۳۸۶، ۱۸۶). همچنین مختومقلی را می‌توان با دانته آلیگیری (۱۲۲۱ - ۱۲۶۵ م.) نیز سنجید، زیرا پیش از دانته نیز در هر منطقه‌ی ایتالیا به زبان و گویشی سخن می‌گفتند و پس از دانته و آفرینش شاهکار او یعنی کمدی الهی مردم ایتالیا با زبانی زیبا و تثبیت شده آشنا شدند که آن را زبان ملی خود قرار دادند.

محل تحصیل و مدارس مختموقلی

مختموقلی فراغی در جایی به نام «قزل آیاق»^۱ (قیزیل آیاق) در مدرسه‌ای به نام «ادریس بابا» تحصیل کرد. سپس تحصیلات خود را در بخارای شریف ادامه داد.

پس از سال‌ها علم‌آموزی در بخارا و آشنایی با نوری کاظم باهر از ترکمنان عراق که در آن‌جا تحصیل می‌کرد به «شیر غازی» در شهر خبوه خوارزم یا ایرانویچ کهن رفت و در آن‌جا به تحصیل علوم دینی و ادبیات ملل شرقی از جمله ایرانی (فارسی)، عربی و ترکی (به ویژه آذربایجانی و جغتایی) پرداخت. او در آثارش با حسی حاکی از غم غربت^۲ از شیر غازی یاد می‌کند. از آن‌جا او سفری را به افغانستان، هندوستان و ترکستان آغاز می‌کند و پس از سیر و سیاحت در آن مناطق به وطن خود ایران باز می‌گردد و در آجی غوشان امروزه در مراوه تپه استان گلستان بازمی‌گردد و تا پایان زندگانی در آن‌جا می‌ماند (نک. فراغی، ۱۳۹۲، ت)

ماجرای نابودی نسخه‌های مختموقلی در زمان حیات

و بازنویسی آن‌ها از سوی شاعر

زمانی، به روستای مختموقلی حمله شد، و دارایی‌اش از جمله

۱. قزل آیاق: یا «قیزیل آیاق» به احتمال نام روستا و منطقه‌ای در شرق ترکمنستان در استان «لیاب» استان همجوار مرو شهر تاریخی ایران خراسان است. روستای قزل آیاق زادگاه نویسنده نامی کودک و نوجوان ترکمنستان و نامزد جایزه هانس کریستین آندرسن قیوم تانگری قولیف است. (نک. تنگری قولیف، ۱۳۹۳: ح. ۱۵)

نسخه‌های خطی شعرش، با یک شتر از آن جا جابه‌جا شد. شتر لغزید و این نسخه‌های خطی را به رودخانه اترک ریخت. با دیدن این منظر مختموقلی شعر زیر را سرود: «سیل نسخه خطی مرا برد، از این رو مرا پشت اشکان چشمانم رها کرد.»

این شعر همچنین در بردارنده این بیت است: «همه زندگانیم را با همه خوبی‌هایش از دست دادم / سرنوشت اهریمنی برای من سرنوشتی وحشتناک در پی داشت / کتاب نوشته من را به سیل انداخت / بنابراین مرا در پشت انبک چشمانم رها کرد.

بنابراین مختموقلی گویا بیشتر شعرهایش را ثبت کرد، نه اصل متن آن‌ها را که ما امروزه می‌شناسیم.^۱

چاپ دیوان مختموقلی در جهان و ایران چاپ دیوان مختموقلی در دنیا

نخستین چاپ دیوان مختموقلی به صورت سنگی از روی نسخه‌های دیوان او که توسط شودزکو (۱۸۴۵) و وامبری (۱۸۶۳) و ی. بریوزین (۱۸۹۰) به اروپا برده شد در بخارا، قازان، تاشکند (۱۹۰۷)، استراخان، مرو، باکو و ایران منتشر شد.

در ترکمنستان شوروی سه بار دیوان مختموقلی با خط عربی منتشر شد؛ نخستین بار در سال ۱۹۲۶ م. از سوی روانشاد بردی کربابایف به چاپ رسید، سپس همین اثر در سال ۱۹۶۰ م. با ویرایش جدید با

پیشگفتار مآتی کوسایف و با یاری صمولیویچ منتشر شد. سومین چاپ را در سال ۱۹۹۸ م. عبدالرحمن ملک آمانف و همکارانش به چاپ رساندند. (فراغی، ۱۳۹۲، مقدمه اراز محمد سارلی: ز. س)

چاپ دیوان مخطومقلی در ایران

(۱) نخستین چاپ دیوان مخطومقلی فراغی در ایران به سفارش شاگلدی بابانیازی از روی نسخه بخارا در سال ۱۳۲۶ ش. از سوی ناشر ملا میرزا عبداللهی در چاپخانه بندر ترکمن به چاپ رسید (همان: س)؛
(۲) این دیوان بار دیگر از سوی پردی محمد محمدامانی در سال ۱۳۲۹ ش. چاپ شد.

(۳) حاج مراد دُردی قاضی در سال ۱۳۴۰ ش. دیوان مخطومقلی را به چاپ رساند که تا سال ۱۳۴۵ ش. سه بار چاپ شد (همان) در سال ۱۳۸۵ چاپ پنجم کتاب منتشر شد؛ این کتاب با عنوان ترکمنی مخطومقلی نینگ دیوانی (دیوان مخطومقلی) بارها در مشهد و از سوی چند ناشر به چاپ رسیده است؛

(۴) احمد عضدی دیوان کامل مخطومقلی را در دهه شصت به چاپ رساند (همان) این کتاب در سال‌های ۱۳۷۳ و ۱۳۸۶ خورشیدی در بخنورد تجدید چاپ شد؛

(۵) دکتر اراز محمد سارلی نخستین بار در سال ۱۳۸۵ دیوان مخطومقلی را تصحیح و به چاپ رساندند و این کتاب باز در سال ۱۳۹۲ خورشیدی تجدید چاپ شده است؛

(۶) نور محمد عاشورپور با همکاری یوسف قوجق در سال ۱۳۸۸ دیوان مخطومقلی (چاپ انتقادی) را منتشر کرد.